

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره بیست و دوم و بیست و سوم

پاییز و زمستان ۱۳۷۹، صص ۱۴ - ۱

حفاظت مشترک از میراث فرهنگی و طبیعی ضرورتی برای دستیابی به توسعه پایدار

دکتر علی اصغر رضوانی*

چکیده

برای تعادل بخشیدن به حیات انسانها که توسعه پایدار را به دنبال خواهد داشت، توجه به امر حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جایگاه ویژه‌ای دارد. میراث فرهنگی و طبیعی بیان‌کننده پیشینه تاریخی، تمدن و فرهنگ و جاذبه‌های طبیعی هر کشوری است که شکل‌گیری و به‌وجود آمدن آن در طی سالیان متمادی صورت گرفته است. امروزه تمدن هر کشوری بر پایه فرهنگ مردم آن استوار است. فرهنگ نیز نمادی از ارزشهای مادی و معنوی است و محیط هم در مقابل آن تأثیر پذیر است به‌یقین هویت فرهنگی افراد یک جامعه نیز تحت تأثیر محیط پیرامونی آنها شکل می‌گیرد. توسعه کامل هم، زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و محیط فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند و به این ترتیب حفظ شوند. لازمه تحقق این هدف داشتن اخلاق زیست‌محیطی برای تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور و در مقیاس جهانی کره زمین است. اخلاق زیست‌محیطی، رفتار مطلوب بشر نسبت به محیط زندگی او اعم از محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی،

اقتصادی و سیاسی است و در صورتی که افراد یک جامعه چنین خصوصیتی داشته باشند، شرایط لازم برای توسعه پایدار فراهم خواهد شد. در سطح اجرایی برای توسعه پایدار باید چهار بعد به هم پیوسته را باز شناخت، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی که با هم مرتبط و به‌طور نسبی بر یکدیگر تأثیر گذارند. اولین گام در فرآیند توسعه پایدار، شناسایی محیط زیست طبیعی و انسانی و حفاظت از آنچه که در آن نهفته یعنی میراث طبیعی و فرهنگی است. اکنون در سطح جهانی، حفاظت از میراث فرهنگی را از نظر قانونی کنوانسیون لاهه و حفظ جایگاههای طبیعی و فرهنگی را کنوانسیون میراث جهانی بر عهده دارد. اگر چه در دستیابی به توسعه پایدار عوامل متعددی نقش دارند، اما آنچه که در رابطه با میراث طبیعی و فرهنگی حایز اهمیت است برنامه‌ریزی در سطوح ملی و جهانی است و این کار مستلزم یک سیاست‌گذاری واقع‌بینانه و عادلانه و همکاری تمام ارگانهای دولتی، سازمانها، مراکز علمی و پژوهشی، بخش خصوصی و نیروهای کارآمد مردمی است.

واژه‌های کلیدی

فرهنگ، میراث فرهنگی، میراث طبیعی، حفاظت، توسعه پایدار.

مقدمه

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در عصر حاضر که دوران مبارزه با آلودگیهای زیست‌محیطی است، یک ضرورت حیاتی است. انجام چنین کاری منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار زیادی دارد که به‌عنوان عاملی مؤثر نقش خود را در ایجاد و برقراری توسعه پایدار ایفا می‌کند. بهره‌برداری از منابع طبیعی گرچه آثار منفی دارد و موجب تخریب محیط زیست می‌گردد، اما نمی‌توان آن را متوقف نمود، بلکه باید با پذیرش نظام خاصی از اخلاقیات با آن برخورد نمود. بدین‌سان می‌توان تا حد ممکن از وارد آوردن آسیب به محیط زیست و جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی موجود در آن جلوگیری کرد.

تاکنون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی بیشتر به عهده کشورهای بوده که چنین ثروت‌هایی را در اختیار داشته‌اند، ولی پس از تصویب مقاله‌نامه‌ای با عنوان

میراث جهانی، شامل ثروت‌های فرهنگی و طبیعی که از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر رفته و ارزش جهانی کسب کرده‌اند، به جوامع بین‌المللی این امکان داده شده است تا در حفظ عناصر آن همکاری کنند. محیط‌زیست و میراث فرهنگی و طبیعی که هدیه الهی به بشر است به‌عنوان اندوخته‌ای بارور و موزه‌ای ماندگار و زنده برای انسان تشنه و حریص است؛ انسان مصرف‌کننده، سازنده و مخربی که سالهای متمادی همزیست با آن است، و اینک بیش از هر زمان دیگر به ارزش و اهمیت آن پی برده و برای حیات خود ناگزیر به حفاظت آن است و زمانی خواهد توانست به رشد و توسعه‌ای موزون، هماهنگ و پایدار دست یابد که با برنامه‌ریزیهای آگاهانه و عالمانه خود در حفظ و نگهداری آن بکوشد.

بیان مسأله

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی برای تعادل بخشیدن به حیات انسانها و دستیابی به توسعه پایدار و سازمان‌یافته، که روند تکامل تمدن بشری را در پی خواهد داشت، از چنان اهمیتی برخوردار است که یک بسیج عمومی، جهانی، دولتی و مردمی را می‌طلبد. مردم باید محیط‌های طبیعی و فرهنگی را به‌عنوان نهاد همبستگی معنوی در اجتماعات محلی خود تلقی کنند و بپذیرند که همان‌گونه که با انهدام و تخریب محیط طبیعی زندگی بشر به خطر می‌افتد، ویرانی میراث فرهنگی و تاریخی نیز زندگی معنوی را به مخاطره می‌افکند. امروزه در تمامی کشورها اهمیت حفاظت از محیط زیست که میراث طبیعی و فرهنگی در آن جای گرفته بر همگان روشن است.

افزایش بی‌رویه جمعیت، افزایش مصرف انرژی، افزایش دمای کره زمین، تخریب جنگلها و مراتع، از بین رفتن گونه‌های متفاوت گیاهی و حیوانی، بیابانزایی و پیشروی کویر، کاهش ذخایر آبهای زیرزمینی، شور شدن آبهای سطحی، فرسودگی و انهدام بناهای تاریخی و آثار فرهنگی، بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت و رها کردن انواع آلاینده‌ها در محیط‌زیست (زباله‌های اتمی، بیمارستانی، کارخانه‌های صنعتی) و مصرف بیش از حد سموم و مواد شیمیایی آثار زیانبار و خسارات جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد (۱ / ص ۸).

باید به دقت بر روی آثار به جای مانده از گذشتگان که امروزه ما امانت‌دار آن هستیم، تأمل کنیم و آنها را بشناسیم و ضمن حفاظت، مرمت و نگهداری آنها، با ارائه طرح‌های نو، به ایجاد آثار جدید اقدام بنماییم به طوری که تفاوت‌هایی با آثار پیشینیان ما داشته باشد، زیرا اگر امروزه چنین کاری انجام نشود، نسل حاضر نمی‌تواند چیزی را به آیندگان بسپارد.

اعتقادات دینی و ملی و فرهنگی ما نیز توجه خاصی به خلاقیت، ابتکار و حفظ و نگهداری میراث زیست‌محیطی و آثار فرهنگی دارد. روند تخریب منابع طبیعی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، از بین رفتن آثار فرهنگی و یادمان‌های تاریخی، توسعه موزون را در یک کشور به توسعه ناهماهنگ سوق می‌دهد (۴ / ص ۵۸). بنابراین ضرورت انجام کار کاملاً احساس می‌شود و وظیفه کلیه دست‌اندرکاران اعم از سیاست‌گذاران، مدیران اجرایی، پژوهشگران، استادکاران و هنرمندان است که به‌طور واقع‌بینانه و آگاهانه به مسائل مربوط به میراث فرهنگی و طبیعی و حفاظت آنها برای دستیابی به توسعه پایدار در کشورهای خود پردازند و نهایت تلاش و کوشش خود را در راه رسیدن به اهداف مورد نظر بنمایند.

قبل از اینکه وارد بحث اصلی یعنی ضرورت توجه به امر حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی برای تحقق یافتن توسعه پایدار شویم، توسعه‌ای که برقراری عدالت اجتماعی و رابطه عادلانه انسان با محیط زیست یکی از مهمترین مظاهر فرهنگی آن است، به تعاریف و مفاهیمی که در این خصوص به کار گرفته می‌شوند اشاره می‌کنیم.

میراث فرهنگی و طبیعی بیان‌کننده پیشینه تاریخی، تمدن و فرهنگ و جاذبه‌های طبیعی هر کشوری است که شکل‌گیری و به‌وجود آمدن آن در طی سالیان متمادی صورت گرفته است. نیروها و عواملی که پدید آورنده این‌گونه آثار طبیعی و انسانی هستند در طول زمان و در شرایط مکانی خاص خود عملکردهای متفاوتی داشته‌اند و آنچه که ما امروزه شاهد آن هستیم و تحت عنوان میراث طبیعی و فرهنگی از آن نام می‌بریم در بُعد طبیعی آن حاصل تأثیر عوامل طبیعی بر یکدیگر و دخل و تصرفات عوامل انسانی بر آنها است که چشم‌اندازهای متنوعی را به وجود آورده است و به لحاظ داشتن ویژگی‌های خاص خود از دیگر پدیده‌های طبیعی متمایز است. این‌گونه پدیده‌ها

در گذشته‌های دور نیز در گوشه و کنار کشورهای مختلف جهان وجود داشته ولی مطالعات چندانی بر روی آنها صورت نگرفته و در دهه‌های اخیر با پیشرفتی که در همه علوم حاصل شده است پژوهشگران علوم زمین به اهمیت آنها پی برده و کار مطالعاتی خود را در مورد بررسی، شناسایی و معرفی آنان به جهانیان شروع کرده‌اند. پژوهش در مورد چنین پدیده‌هایی به قدری حایز اهمیت است که یونسکو از این‌گونه آثار تحت عنوان میراث‌های طبیعی نام برده و کلیه کشورهای جهان را بر آن داشته است که در حفظ و حراست از آنها بکوشند، زیرا این پدیده‌های طبیعی فقط متعلق به یک کشور خاص نیست، بلکه متعلق به کره خاکی است و کره خاکی نیز زیستگاه تمامی مردم جهان است و در صورتی که به محیط زیست آسیبی وارد شود، بازتابهای این آسیب را تمامی انسانها احساس خواهند کرد (۷/ ص ۳۱).

در بُعد انسانی- فرهنگی نیز آثار مادی و معنوی به جا مانده از پیشینیان ما حاصل تلاشهای مستمر، فنون، مهارت‌ها، ابتکارات، خلاقیت‌ها و برخورد‌های اجتماعی فرهنگی آنان بوده است. ناگفته نماند که در ابداع این‌گونه آثار، گذشتگان ما از شرایط طبیعی حاکم در محل سکونتشان تأثیر پذیرفته‌اند و در ارتباط با آنچه که محیط طبیعی در اختیارشان قرار داده فعالیت می‌کرده‌اند. مسافرت‌های تجاری و جابه‌جایی کالا، همچنین مهاجرت استادکاران از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر و یا از محلی به محل دیگر، خود موجب تبادل اطلاعات و کسب تجربه برای آنان شده و موجب پیدایش نوآوریها گردیده است که با عناوین مختلف از آنها نام برده می‌شود و امروزه بدان میراث فرهنگی می‌گویند. میراث فرهنگی شامل تمدن‌های باستانی و ویژگیهای خاص آنها مثل عادات محلی، آداب مربوط به خوراک و پوشاک، سبک‌های معماری، موسیقی، هنر، زبانهای محلی و ارزشهای اخلاقی و معنوی است. میراث فرهنگی حافظه جمعی^۱ یک ملت است (۳/ ص ۴۰). و می‌توان آن را توسعه داد، همان‌گونه که انسان با طبیعت در رابطه است و به‌منظور رفع نیازهای خود در محیط دخل و تصرف می‌کند و طبیعت نیز در محیط‌های انسانی تأثیرگذار است، در نتیجه آثار به‌جای مانده از انسان و پدیده‌های موجود نیز در ارتباط باهم عملکرد داشته و نمی‌توان آنها را به‌طور مجزا مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

بنابراین میراث طبیعی و فرهنگی نه تنها جدای از یکدیگر قابل بحث و بررسی نیستند، بلکه در کنار هم و با تأثیرپذیری از یکدیگر توانسته‌اند چشم‌اندازهای متفاوت و متنوعی را به وجود آورند. از طرفی بین ویژگی چشم‌اندازهای طبیعی و تداعی معنوی رابطه نزدیکی وجود دارد، به بیان دیگر دیدگاه قدیمی درباره رابطه جدانشدنی زمین و روح این نظریه را تقویت می‌کند که میراث طبیعی و فرهنگی در یک مجموعه پیوسته وجود دارند، این مجموعه که در محیط‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یافت می‌شوند از چنان اهمیتی برخوردارند که تأمل، بررسی و تحقیق در مورد آنها، راه‌حل‌های ممکن را برای دستیابی به توسعه پایدار فراهم می‌سازد (۳ / ص ۴۶). یکی از مهمترین پیش شرط‌های تحقق توسعه پایدار در هر جامعه‌ای موقعیت فرهنگی آن جامعه است. امروزه تمدن هر کشوری بر پایه فرهنگ مردم آن استوار است. فرهنگ نیز مجموعه به هم پیوسته‌ای از ارزشهای مادی و معنوی است و محیط هم در مقابل آن تأثیرپذیر است. به یقین هویت فرهنگی افراد یک جامعه نیز تحت تأثیر محیط پیرامون آنها شکل می‌گیرد و تأثیر عوامل محیطی را در شکل‌پذیری فرهنگ یک جامعه نمی‌توان نادیده گرفت.

فرهنگ نشان‌دهنده حرکت و پویایی جوامع انسانی است. فرهنگ رابطه عادلانه بین انسان و طبیعت است. فرهنگ آگاهی فرد از شخصیت خود به عنوان یک موجود متفکر و دارای اندیشه و آگاهی از روابط خود با دیگران در جامعه و با محیط طبیعی است. انسان فرهیخته هم فردی است که موقعیت و جایگاه خود را در می‌یابد و حقوق دیگران را محترم می‌شمارد. فرهنگ ادراک شخصی هر فرد از زندگی روزمره خود است که با گذشت زمان و از طریق آموزش و کسب تجربه شکل آن تکامل می‌یابد، «توسعه فرهنگی نیز از حقوق و تعهدات تمامی ملت‌هاست. همه فرهنگ‌ها ضمن تنوع و پراکندگی بسیار زیاد و تأثیرات متقابلی که بر یکدیگر دارند، بخشی از میراث مشترکی را می‌سازند که به تمامی نوع بشر تعلق دارد. عوامل محیطی نیز که در طرز تفکر و نگرش انسانها مؤثر واقع می‌شوند، زمینه شکل‌گیری فرهنگ‌ها را در این رابطه به وجود می‌آورند که از محیطی به محیط دیگر متفاوت است. از این رو در شکل‌گیری فرهنگ‌ها عوامل محیطی و انسانی به‌طور مشترک ایفای نقش می‌کنند. به عبارتی فرهنگ نوعی رفتار با طبیعت است و تقویت هویت فرهنگی نیز گویای این نکته است که رابطه بین

انسان و طبیعت یک مسأله فرهنگی است و از توجه به محیط طبیعی ناشی می‌شود و چون بین تولید مادی، خلاقیت هنری، ارزشهای معنوی و ارتباط با طبیعت پیوندی اساسی وجود دارد، حفاظت از محیط زیست که عاملی برای توسعه پایدار محسوب می‌شود، می‌باید در قلمرو سیاستهای فرهنگی صورت گیرد و مدیریت بر منابع طبیعی نیز باید بر مبنای ارزشهای فرهنگی استوار باشد. توسعه کامل هم زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی با هم مرتبط باشند و به این ترتیب حفظ شوند. لازمه تحقق این هدف داشتن اخلاق زیست‌محیطی^۱ برای تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور و در مقیاس جهانی، کره زمین است. اخلاق زیست‌محیطی رفتار مطلوب بشری نسبت به محیط زندگی او اعم از محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است» (۳ / ص ۶۸) و در صورتی که افراد یک جامعه چنین خصوصیتی داشته باشند، شرایط لازم برای توسعه پایدار فراهم خواهد شد. بنابراین بین فرهنگ و توسعه پیوند عمیقی وجود دارد و جدایی این دو از یکدیگر موجب خسارهای زیادی خواهد شد. امروزه رشد مادی ناشی از توسعه به بهای خرابی و از بین رفتن محیط طبیعی حاصل شده است. این رفتار نوع بشر است که با از بین بردن برخی از سنت‌های فرهنگی خود به محیط زیست آسیب رسانده است. هر چند که امروزه به واسطه آثار و تبعات توسعه مادی با انهدام محیط زیست روبه‌رو هستیم ولی با پذیرش اخلاق زیست‌محیطی و تثبیت نوع خاصی از اخلاقیات نظری که بتواند بعد فرهنگی را تقویت کند، آثار منفی توسعه بر محیط زیست کاهش خواهد یافت و فقط از طریق توسعه فرهنگی است که می‌توان از محیط و تمامی ابعاد آن به بهترین شکل محافظت نمود. به محض تحقق چنین امری محیط نیز به سهم خود سبب گسترش ارزشهای فرهنگی می‌شود. ارزشهایی که می‌توان آنها را با توجه به مناسبات بین انسان و طبیعت و نظارت بر پیشرفت فنی در فرآیند توسعه ادغام نمود.

برای بسیاری از مردم واژه توسعه تداعی وجود اقتصاد در حال رشد، فن‌آوری پیشرفته، صنعت بدیع، کشاورزی سودآور و صلح و آرامش پایدار است که انگیزه ثروت مادی است، در حالی که هدف، دستیابی به رشد و توسعه‌ای بسامان، متعادل و موزون

است که در برگیرنده تمام جنبه‌های زندگی و مهمترین آنها برقراری عدالت اجتماعی است. «توسعه باید بر محیط طبیعی و محیط اجتماعی اثر مثبت داشته باشد و سلامتی جسمی و روحی انسانها را تضمین کند. سلامت عبارت از وضعیت پایدار از خوب بودن در بوم‌سازگان‌های (اکوسیستم‌های) پایدار، در جهان پایدار است. انسان سالم را باید در محیط زیست سالم جست‌وجو کرد. محیط زیست سالم را هم انسان سالم می‌سازد.» (۵ / ص ۵۱). بنابراین یکی از اهداف توسعه پایدار، ساختن انسانهای سالم و اعتلای کیفیت زندگی است. انسانهایی با جسمی سالم و استوار، اندیشه‌ای پویا و روحیه و روانی شاد و توأم با رضایت خاطر مد نظر است، از این جهت برای حفظ خودمان باید به طبیعت احترام بگذاریم و برای حفظ خودمان باید همه فرهنگ‌ها را محترم بشماریم. توسعه اقتصادی، فنی، اجتماعی تنها در صورتی تحقق خواهد یافت که محیط‌های طبیعی، فرهنگی و خانوادگی موجود نیز مورد توجه جدی قرار گیرند. باید روحیه عدالت‌خواهی و همبستگی ارزشهای فرهنگی تمام حوامع را محترم شمرد. پیشرفت اقتصادی به هیچ قیمتی نباید بر اخلاقیات و عدالت اجتماعی غلبه کند. وظیفه هر فردی از جامعه نیز باید در مترادف ساختن توسعه و فرهنگ باشد.

«اصولاً وقتی که شهروندان درباره جهان اطراف خود چیزهای بیشتری یاد می‌گیرند و هر یک از آنها در زمینه فعالیت‌های مورد نظر، بخشی از فرهنگ جهانی می‌شوند و وقتی که شهرنشینان فرهنگ خود را غنی می‌سازند آنگاه نسبت به لزوم حفظ محیط طبیعی و اجتماعی هوشیار می‌شوند.» (۸ / ص ۲۷). بنابراین برای حفظ بنیانهای جامعه، افزایش آگاهیهای عمومی ضروری است، تا بتوان کیفیت زندگی و توسعه فرهنگی را بهبود بخشید. از طریق آموزش و تعمیم روشهای ارتباطی نیز توسعه فرهنگی تقویت خواهد شد و این امر به سهم خود کمک خواهد کرد تا از محیط زیست بهتر حفاظت شود و شرایط توسعه پایدار فراهم آید.

توسعه پایدار باید بتواند راهبردها و ابزار لازم را برای رفع نیازهای اساسی انسان فراهم سازد. تلفیق حفاظت و توسعه، دستیابی به عدالت اجتماعی، حفظ یگانگی بوم‌شناختی و تنوع فرهنگی از اساسی‌ترین این نیازهاست. در سطح اجرایی می‌توان برای توسعه پایدار چهار بعد به هم پیوسته را باز شناخت. ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی که با هم مرتبط و به‌طور نسبی بر یکدیگر تأثیرگذارند. برای

اینکه توسعه در دراز مدت پایدار باشد باید بین این چهار بعد تعادل وجود داشته باشد. آنچه که در مفهوم توسعه پایدار اهمیت دارد و به عنوان یک ضرورت باید از آن نام برد، این است که توسعه پایدار بر همبستگی میان نسل‌ها تأکید دارد، مبتنی بر آینده‌نگری است و به آیندگان می‌اندیشد، از امکانات موجود در حد نیاز و بر حسب ضرورت استفاده می‌کند و با تأکید بر بعد فرهنگی اظهار می‌دارد، کره زمین و منابع طبیعی موجود در آن فقط متعلق به یک نسل نیست، بلکه آیندگان نیز باید به نحو مطلوب و عادلانه از آن بهره‌جویند. از این‌رو اخلاق زیست‌محیطی حکم می‌کند که نسل کنونی بیش از حد در منابع طبیعی و حیاتی کره زمین دخل و تصرف نکند، بلکه در حد نیاز از آن بهره‌برداری کند و این امانت را که از گذشتگان به ما رسیده است با شرایط مطلوب به آیندگان بسپارد. آنچه که اکنون در اکثر کشورهای جهان مشاهده می‌شود این است که روابط و فعالیتهای اقتصادی انسانها بر روابط اجتماعی و فرهنگی آنان حاکمیت دارد و معیار و ارزش‌گذاری انسانها عوامل مادی است. در چنین جوامعی بحث توسعه پایدار به نتیجه‌ای نخواهد رسید و نه تنها تحقق نخواهد یافت، بلکه آینده آن جوامع را نیز به سوی بحران و نابسامانی سوق خواهد داد.

پس، از هم اکنون با تکیه بر ارزشهای والای انسانی و هویت فرهنگی افراد هر جامعه باید از توانمندیهای آنان به عنوان نیروهای کارآمد در جهت ایجاد عوامل مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار استفاده نمود. بی‌تردید ادامه حیات طبیعی، متناسب و منطقی هیچ جامعه یا ملتی بدون رعایت اصول و میانی حاکم بر فرآیند اقتصاد فرهنگی نیست، اقتصاد فرهنگی ذاتاً نیازهای جوامع انسانی را تأمین خواهد نمود. منظور از اقتصاد فرهنگی آن دسته از فعالیتهایی است که انسانها در محیط زیست خود بر پایه معیارها و بنیانهای اصولی و اعتقادی، با در نظر گرفتن ارزشهای معنوی و مادی به انجام می‌رسانند در اقتصاد فرهنگی هدف برقراری عدالت اجتماعی انسانها با یکدیگر و با محیط زیست خودشان است و به این اصل اعتقاد دارند که محیط زیست اعم از طبیعی یا انسانی خاستگاه اصلی و مداوم توسعه است. از این رو «اولین گام در فرآیند توسعه پایدار، شناسایی محیط زیست طبیعی و حفاظت از آنچه که در آن نهفته، یعنی میراث طبیعی و فرهنگی است. خاصه اینکه ما اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که با اوایل قرن

حاضر بسیار متفاوت است. توسعه شهرنشینی و گسترش بی‌رویه و نابسامان شهرها، عدم توجه به مکان‌یابی صحیح تأسیسات صنعتی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، خصوصتها و جنگ‌های مسلحانه و گسترش بدون برنامه‌گردشگری تهدیدی برای میراث فرهنگی و طبیعی است.» (۶ / ص ۵۱). ریشه اقدامات دفاعی از میراث فرهنگی مانند اقداماتی که برای ممنوعیت معاملات قاچاق و خلاف قانون آثار هنری و گنجینه‌های معماری طراحی شده‌اند، در هوشیاری گسترده جامعه و آگاهی از مسائل روز نهفته است و به این دلیل است که آموزش و اطلاعات در بسیج عقاید عمومی نقش قاطعی را ایفا می‌کند و لازم است همه منابع فنی، سنتی و فن‌آوری‌های جدید را برای حفظ میراث، فرهنگی و طبیعی به کار گرفت تا به این میراث حیاتی مجدد بخشیده شود. در فرهنگ توسعه‌یابان نیز هدف این است که به میراث طبیعی و فرهنگی آسیبی وارد نشود. از این رو مراقبت از میراث طبیعی و فرهنگی بخش لازم یک سیاست فرهنگی است. «دولت‌ها برای حفظ میراث فرهنگی و طبیعی خود باید به اقدامات لازم مبادرت ورزند، به‌خصوص در جاهایی که به واسطه غفلت، آداب و رسوم و سنن شفاهی در معرض خطر و نابودی تدریجی است و عمل به این سنن کاملاً در حال منسوخ شدن است. وقتی که انسانها و جوامع به تحسین و قدردانی از زیبایی مناظر طبیعی، حیات نباتی و حیوانی، اماکن باستانی، خانه‌های قدیمی، نقاشیها و مجسمه‌های زیبا، موسیقی، فرهنگ و ادبیات عامه و نظایر آن پردازند، در آن صورت طرفدار سوسخت محافظت نیز خواهند شد. پیدایش این روحیه نتیجه طبیعی پیوند نزدیک بین زیبایی، فرهنگ، محیط، هنر، طبیعت و میراث به‌جا مانده از گذشتگان است که باید به تقویت آن پرداخت.

هر منطقه و کشوری باید پدیده‌های اجتماعی خاص خود را که در آنها رسوم گذشته باقی مانده است، حفظ نمایند. متأسفانه در خیلی از کشورها رسوم ملی کنار گذاشته شده‌اند، افسانه‌ها در حال از بین رفتن هستند و خانواده‌هایی که قبلاً به‌طور محکم به هم پیوسته بودند اکنون در حال از هم گسستن هستند، گرچه بعضی از سازمانهای دولتی و غیر دولتی علاقه‌مند به حفظ میراث فرهنگی، تلاش می‌کنند فرهنگ و سنت‌های جامعه را بهتر بشناسانند و درصدد احیای آن برآیند، اما به لحاظ بی‌اطلاعی نسلهای کنونی از ارزش و اهمیت میراث فرهنگی و کم‌توجهی دولتها به این

امر مهم سبب شده است این‌گونه آثار و ارزشهای مادی و معنوی در معرض خطر نابودی قرار گیرند و کم اهمیت جلوه داده شوند.» (۳ / ص ۴۰). اکنون حفاظت از میراث فرهنگی را از نظر قانونی، کنوانسیون لاهه و حفظ جایگاههای طبیعی و فرهنگی را کنوانسیون میراث جهانی برعهده دارد. «مهمترین کارهای کنوانسیون میراث جهانی، پیوند میراث فرهنگی و طبیعی است. کنوانسیون پاسخگوی نیاز جهانی برای حفظ آن دسته از داراییهای طبیعی و فرهنگی است که متعلق به تمامی انسانهاست و میراث جهانی را تشکیل می‌دهد. کنوانسیون در حالی که به ضرورت اختیارات مستقل دولتهای ملی احترام می‌گذارد، اعضا را تشویق می‌کند که بر حفظ میراث فرهنگی و طبیعی خود متعهد شوند. کنوانسیون به علت تأکیدی که بر حفظ و ارائه جایگاه میراث جهانی برای نسلهای حال و آینده دارد می‌تواند برای پیشبرد توسعه پایدار، کمکهای مؤثری به کشورهای جهان بنماید. یکی از نقاط قوت مهم کنوانسیون میراث جهانی که تا امروز به‌طور جدی به کار گرفته شده، نقشی است که در بالا بردن میزان آگاهی مردم از اهمیت میراث جهانی ایفا می‌کند. برای پیگیری اهداف حفاظتی و مراقبت مطلوبتر، کوشش زیادی از سوی برخی طرف‌های ذی‌نفع از جمله یونسکو، اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت^۱ مرکز مطالعات بین‌المللی برای حفاظت و بازسازی اموال فرهنگی^۲ و شورای بین‌المللی یادمان‌ها و جایگاهها^۳ در دست انجام است و در این زمینه کارهای بسیاری باید صورت گیرد. تعیین معیارهای بین‌المللی حفاظت هنوز در دست بررسی است و باید از سوی کمیته میراث جهانی به‌طور رسمی تأیید شود، مرحله بعد آموزش و تربیت مسؤولانی برای مدیریت جایگاههای میراث جهانی و بازدیدکنندگان این جایگاههاست و آن وقت است که کمیته میراث جهانی قادر خواهد بود دولتهای ملی را به‌گونه‌ای عینی مسؤول مدیریت جایگاههای میراث جهانی بشناسد. باید به مناسبات میان حفاظت و توسعه توجهی درخور شأن و ارزش و اهمیت آنها ابراز شود» (۲ / ص ۴). مقتضیات میراث فرهنگی و طبیعی را باید از همان نخستین مراحل برنامه‌ریزی اقتصادی و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در سطوح منطقه‌ای و ملی در نظر گرفت و از این طریق

می‌توان تا حدی تضمین کرد که مسؤولان و دست‌اندرکاران میراث طبیعی و فرهنگی با رعایت کامل ارزشهای فرهنگی از شرایط لازم برای دستیابی به نتایجی مناسب که از لحاظ اقتصادی کارسازند، برخوردار شوند. بنابراین باید به این واقعیت پی برد که اگر بخواهیم به توسعه‌ای پایدار، موزون و عادلانه دست یابیم می‌بایست، اقدامات زیادی را در سطوح ملی و جهانی انجام دهیم و این کار مستلزم یک سیاست‌گذاری واقع‌بینانه و عالمانه و همکاری تمامی ارگانهای دولتی، سازمانها، مراکز علمی و پژوهشی، بخش خصوصی و نیروهای کارآمد مردمی است.

نتیجه

ایجاد تعادل در زندگی انسانها بر روی کره زمین ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است پس برای دستیابی بدان باید تلاش نمود و از اندیشه‌های نیروهای کارآمد مردمی و متخصصان آگاه و مطلع استفاده کرد. روشهای دستیابی به توسعه پایدار گوناگون و متفاوت‌اند و با توجه به بسترهای کاری و فعالیتهای موردی هر جامعه و در رابطه با امکانات بالقوه طبیعی و انسانی موجود در هر کشوری اتخاذ می‌شوند. میراث فرهنگی و طبیعی از جمله عواملی هستند که به‌طور مشترک و در کنار عوامل دیگر می‌توانند سهم مؤثری در توسعه پایدار داشته باشند. لذا برای ایفای نقش خود به‌طور مستمر ضرورت حفاظت آنها کاملاً مشهود است. بحران محیط زیست در سطح جهانی خسارات جبران‌ناپذیری به‌بار آورده است. بحرانی که شاید نتوان راه حلی برای آن پیدا کرد، ولی آنچه مسلم است سیاست‌گذاری واقع‌بینانه اداره‌کنندگان جهان و دولتمردان کشورها، نهادهای مدنی به‌ویژه سازمانهای غیردولتی، به همراه توانمندیهای تخصصی اندیشمندان و صاحب‌نظران خواهد توانست از میزان بحرانهای موجود بکاهد و مانع از تشدید آن شود. ضمن اینکه آگاه‌سازی جوامع نیز در خصوص اهمیت حفاظت و نگهداری از محیط زیست و میراث ارزشمند فرهنگی و طبیعی موجود آن به این مسأله کمک خواهد کرد. امروزه تداوم حیات فرهنگی و اجتماعی انسانها در صورتی امکان‌پذیر است که به اهمیت زیستگاههای خود پی برده و در نگهداری چشم‌اندازهای زیست‌محیطی خود بکوشند و به ارزش پدیده‌های موجود در آن واقف باشند، زیرا آثار موجود باقی‌مانده بر روی کره مسکون هر لحظه ممکن است در معرض خطر جدی قرار گیرند، به‌طوری که

ایجاد یا احیای مجدد آن دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود و با نابودی آن هویت فرهنگی و بسترهای زیست‌محیطی مناسب از بین خواهند رفت و توسعه‌ای ناپایدار حاکم خواهد شد که خطرهای جدی آن آیندگان را بیشتر تهدید خواهد کرد.

پژوهش در مورد حفاظت از میراث فرهنگی، طبیعی و محیط زیست برای تداوم بقای انسان به قدری حایز اهمیت است که یونسکو تمامی کشورهای جهان را بر آن داشته است که روشهای نوینی را برای حفظ و حراست آنها به کار گیرند. بدون تردید عامل توسعه فرهنگی نیز می‌تواند از میراث طبیعی و فرهنگی محافظت کند و در این ارتباط، محیط نیز خود سبب گسترش ارزشهای فرهنگی می‌شود که این امر یکی از مهمترین اهداف توسعه پایدار است، زیرا زمانی که افراد یک جامعه فرهنگ خود را غنی می‌سازند نسبت به لزوم حفظ میراث طبیعی و مسائل زیست‌محیطی خود آگاه می‌شوند، در این مورد بر نقش آموزش نیز در تمامی سطوح باید تأکید شود، زیرا آموزش موجب رشد و توسعه فرهنگی خواهد شد و آثار مثبت خود را به دنبال خواهد داشت، در فرهنگ توسعه نیز هدف این است که به میراث فرهنگی و طبیعی آسیبی وارد نشود. از این رو مراقبت از میراث فرهنگی و طبیعی بخش لازم یک سیاست فرهنگی است و دولتها در این خصوص می‌توانند بسیار کمک کنند و مؤثر واقع شوند. امروزه کنوانسیون میراث جهانی پاسخگوی نیاز جهانی برای ثروتهای طبیعی و فرهنگی است که به تمامی انسانها تعلق دارد و نه تنها به اختیارات مستقل دولتهای ملی احترام می‌گذارد، بلکه کشورهای جهان را تشویق می‌کند که امر حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی خود را جدی بگیرند. کنوانسیون میراث جهانی در بالا بردن آگاهیهای مردمی در سراسر جهان نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌کند و برنامه‌های متنوعی را در دستور کار خود قرار داده است که تماماً اهداف توسعه پایدار را به دنبال دارند.

پی‌نوشت

باید توجه داشت که در حال حاضر سه مکان بزرگ بی‌استانی و تاریخی کشورمان، یعنی جغازنبیل، تخت جمشید و میدان نقش جهان در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده است.

منابع

- ۱- پاپلی یزدی، محمدحسین. «اهمیت مسأله محیط‌زیست»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴.
- ۲- پیام یونسکو، «میراث جهانی، میراثی برای همه»، سال بیستم، شماره ۲۱۹، اوت ۱۹۸۸، شهریور ۱۳۶۷.
- ۳- ژرژ تومه، توسعه فرهنگی و محیط زیست، ترجمه محمود شارع‌پور، مرکز پژوهش‌های بنیادی، زمستان ۱۳۷۳.
- ۴- سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، فصلنامه علمی و آموزشی فضای سبز، سال اول، شماره چهارم، پاییز ۱۳۷۲.
- ۵- سازمان حفاظت محیط زیست، فصلنامه علمی محیط زیست، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۳.
- ۶- سازمان حفاظت محیط‌زیست، فصلنامه علمی محیط‌زیست، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۶.
- ۷- یونسکو، طبیعت و منابع (فصلنامه پژوهش‌های محیط زیست و منابع طبیعی)، شماره ۶، سال ۱۳۷۵.
- ۸- یونسکو، طبیعت و منابع (فصلنامه پژوهش‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی)، شماره ۷، سال ۱۳۷۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی